

چرا نام ائمه عليهم السلام مستقيماً در قرآن نیامده است؟

سؤال کننده: مرتضی جباری و محمد نور

توضیح سؤال:

چرا نام ائمه عليهم السلام مستقيماً در قرآن نیامده است؟

1. توسل به غیر حق تعالی فقط از نظر قرآن با تفسیر
2. نام ائمه چرا مستقيماً در قرآن نیامده (اشاره غیر مستقیم آنرا تا حدودی میدانم)
3. نذوراتی توسط مردم داده می شود که وقتی از آن ها پرسیده میشود میگویند مثلاً "این نذر یا قربانی برای امام حسین است" آیا با توجه به آیات قرآن که "خوردن آنچه به نام غیر خدا ذبح میشود حرام است" خوردن آن ذبح و یا هر آنچه که با آن طبخ می شود حرام نیست؟ (با توضیح و تفسیر).

پاسخ سؤال اول:

توسل به انبیاء، صالحان و تمامی کسانی که پیش خداوند آبرویی دارند، مورد تأیید قرآن کریم است. در این باره آیات فراوانی وجود دارد که بنده فقط به دو آیه اشاره می کنم.

1. قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ . يوسف / 97 .

خداوند در این آیه داستان برادران حضرت یوسف علیه السلام را نقل می کند که آن ها بعد از پشیمانی از کردارشان، پیش پدرشان حضرت یعقوب علیه السلام آمدند و از او درخواست کردند که او از خداوند بخواهد تا گناهان آن ها بخشیده شود. حضرت یعقوب هم نگفت که چرا خودتان مستقیماً سراغ خداوند نمی روید و به من متوسل شده اید؛ بلکه به آن ها وعده داد که از خداوند برای آن ها طلب مغفرت نماید:

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

به زودی از پروردگارم برای شما طلب مغفرت خواهم کرد که او بخشنده و مهربان است.

2. وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا . النساء / 64 .

آنان که نسبت به خود ظلم کرده اند، استغفار کنند و از پیامبر اسلام بخواهند که او از خداوند برای آن ها طلب مغفرت کند

...

خداوند در این آیه به صراحت می گوید که بندگان من به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم متوسل شوند و به وسیله آن حضرت از خداوند طلب مغفرت کنند.

این دو آیه بهترین دلیل برای اثبات صحت توسل به غیر خداوند و دقیقاً عین همان توسل شیعیان به پیامبر اسلام و ائمه معصومین عليهم السلام است. شیعیان نیز می گویند:

یا ابا القاسم یا رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) یا امام الرحمة یا سیدنا و مولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الي الله وقد مناك بين يدي حاجتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله .

چه فرقی است میان: «یا ابانا استغفر لنا» و «یا رسول الله استغفر لنا»؟

سؤال 2:

2- نام ائمه چرا مستقیماً در قرآن نیامده (اشاره غیر مستقیم آنرا تا حدودی میدانم)

پاسخ :

ما از این سؤال چند جواب داریم :

جواب اول :

در قرآن کریم کلیات احکام و معارف آمده است ؛ ولی تفصیل و تشریح آن را به عهده نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم گذاشته شده است ؛ چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید :

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ . النحل / ٤٤ .

و این قرآن را به سویی تو فرود آوردیم ، تا برای مردم آنچه را به سویی ایشان نازل شده است توضیح دهی ، و امید که آنان بیندیشند .

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ . النحل / 64 .

و ما [این] کتاب را بر تو نازل نکردیم ، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند ، برای آنان توضیح دهی .

و با آیات فراوانی اطاعت از آن حضرت را برای همه مردم واجب کرده است ؛ از جمله :

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا . الحشر / ٧ .

و آنچه را فرستاده [او] به شما داد ، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت ، بازایستید

و ده ها آیه دیگری که به جهت اختصار به همین یک آیه اکتفا می شود .

مثلاً در قرآن کریم آمده است که «اقیموا الصلاة» ؛ ولی نیامده است که روزی چند وعده نماز بخوانید ، در هر وعده چند رکعت بخوانید ، چگونه بخوانید ، چه سوره هایی را بخوانید و ... تمام این موارد به عهده رسول گرامی اسلام صلی الله گذاشته شده است و آن حضرت فرمودند :

صلوا كما رأيتموني اصلي .

کتاب المسند ، الإمام الشافعي ، ص 55 و السنن الكبرى ، البيهقي ، ج 2 ، ص 345 و صحيح البخاري ، البخاري ، ج 1 ، ص 155 و ج 7 ، ص 77 و ج 8 ، ص 133 .

نماز بخوانید ، همان طوری که من نماز می خوانم .

کلیات امامت نیز در قرآن در آیات فراوانی آمده است ؛ مثلاً در باره حضرت ابراهیم می فرماید :

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ . البقره / ١٢٤ .

[خدا به او] فرمود : «من تو را پیشوای مردم قرار دادم .» [ابراهیم] پرسید : « از دودمانم [چطور] ؟» فرمود : «پیمان من

به بیدادگران نمی رسد .»

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا . الأنبياء / ٧٣ .

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند .

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ . المائدة / ٦٧ .

اي پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوي تو نازل شده ، ابلاغ کن ؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای . و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد .

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا . المائدة / ٣ .

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیین برگزیدم .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ . النساء / ٥٩ .

ای کسانی که ایمان آورده اید ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید .

و ده ها آیه دیگر که کلیات قضیه را کاملاً روشن کرده است . پیغمبر اکرم از همان آغاز رسالت در سال سوم بعثت که مبعوث می شود به انداز قومش :

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ . الشعراء / ٢١٤ .

و خویشان نزدیکت را هشدار ده .

روایات صحیح به شهادت بزرگان اهل سنت وارد شده است که در همان جلسه دست حضرت امیر علیه السلام را گرفت و فرمود :

وهذا اخي ووصيي وخليفتي من بعدي .

این خلیفه من ، برادر من ، و وصی من بعد از من است

و بعد از او در فرصت های مناسب این قضایا را حضرت مطرح کرده است . در آخرین سال عمرشان در غدیر خم در یک مجمع بزرگ بیش از صد هزار نفره مطرح کرده است . بیش از این چطور بخواهد پیامبر اکرم مطرح کند ؟

جواب دوم :

درست است که ائمه در قرآن اسم شان نیامده است ؛ ولی خداوند بوصفه از آن ها یاد کرده اند . خداوند در باره امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است :

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . المائدة / ٥٥ .

ولی شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند : همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند .

بنابر تصریح بسیاری از علمای اهل سنت ، این آیه در باره امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده است . قاضی عضد الدین ایجی ، متوفای 756 در این باره می فرماید :

وأجمع أئمة التفسير أن المراد علي .

المواقف في علم الكلام ، ص 405 .

پیشوایان و بزرگان در تفسیر قرآن ، اتفاق و اجماع دارند که مراد علی (علیه السلام) است .

و سعد الدین تفتازانی نیز تصریح می کند :

نزلت باتفاق المفسرين في علي بن أبي طالب ، رضي الله عنه ، حين أعطي خاتمه وهو راكع في صلاته .

شرح المقاصد في علم الكلام ، ج 5 ، ص 270 .

این آیه به اتفاق مفسران قرآن ، در شأن علی (علیه السلام) نازل شده است ؛ آنگاه که انگشترش را در نماز و در حال رکوع به

فقير نيازمند داد .

و نیز علاء الدين علي بن محمد حنفي ، معروف به قوشجي در اين باره مي گويد :
إنّها نزلت باتفاق المفسرين في حق علي بن أبي طالب حين أعطي السائل خاتمه وهو راكع في صلاته .
شرح تجريد الاعتقاد ، ص 368 .

اين آيه به اتفاق همه مفسران در حق علي بن أبي طالب (عليه السلام) ، هنگامی که انگشترش را در حال ركوع و در نماز به سائل داد ، نازل شده است .
و آلوسي نیز مي گويد :

غالب الأخباريين علي أنّ هذه الآية نزلت في علي كرم الله وجهه .
روح المعاني ، ج 6 ، ص 168 .

بیشتر اخباري ها مي گویند : اين آيه در شأن و مقام علي (عليه السلام) نازل شده است .
آيا اين آيه براي اهل حق كفايت نمي كند ؟ آيا لازم بود كه خداوند اسم ائمه را تك تك در قرآن مي آوردند ؟

جواب سوم :

آيا اگر خداوند در قرآن نام ائمه را نیز آورده بود ، پيروان سقيفه حاضر بودند كه بپذيرند ؟ آيا همان هايي كه به پيامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم نسبت هذيان دادند و گفتند :
ان الرجل ليهجر .

اگر نام حضرت علي در قرآن هم آمده بود ، نمي گفتند :
ان جبرئيل قد هجر ؟

يا نستجير بالله نمي گفتند كه خدا هم اجتهاد فرموده و ما هم مجتهد هستيم و اين سخن را قبول نداريم ؟
ما معتقد هستيم كه حتي اگر نام امام علي عليه السلام هم در قرآن مي آمد ، پيروان سقيفه حاضر نبودند كه بپذيرند ؛
چنانچه در باره بسياري از احكام ديگر نپذيرفتند ؛ همانند متعه . مگر در باره متعه در قرآن آيه صريح نداريم كه فرمودند :

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً . النساء / ۲۴ .

و زنايي را كه متعه کرده ايد ، مهرشان را به عنوان فريضة اي به آنان بدهيد ، و بر شما گناهي نيست كه پس از [تعيين مبلغ] مقرر ، با يكديگر توافق كنيد [كه مدت عقد يا مهر را كم يا زياد كنيد] .
قرطبي مي گويد :

وقال الجمهور المراد نكاح المتعة الذي كان في صدر الإسلام .

تفسير قرطبي ، ج 5 ، ص 120 و فتح القدير ، ج 1 ، ص 449 و تفسير طبري ، ج 5 ، ص 18
مراد از اين « فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ » نكاح متعه است كه در صدر اسلام رايج بوده .

و ده ها روايت در صحيح بخاري ، از جابر و ديگران آورده اند كه ما در زمان پيامبر متعه مي كرديم ؛ حتي به يك مشت گندم .
محمد بن اسماعيل بخاري در صحيحش نقل مي كند كه :

حدثنا مسدد حدثنا يحيي عن عمران أبي بكر حدثنا أبو رجاء عن عمران بن حصين رضي الله تعالى عنه قال نزلت آية المتعة في كتاب الله ففعلناها مع رسول الله صلي الله عليه وسلم ولم ينزل قرآن يحرمه ولم ينه عنها حتي مات قال رجل برأيه ما شاء قال محمد يقال إنه عمر .

صحیح البخاری، ج 5، ص 158.

آیهه متعه در زمان رسول خدا نازل شد و ما در زمان رسول خدا به آن عمل می کردیم و آیهه هم بر حرمت آن نازل نگردید و رسول خدا هم تا دم مرگ ما را از آن منع نکرد، مردی با رأی و میل خودش هر چه که دلش خواست گفت. و این شخص عمر بن الخطاب بود.

همچنین مسلم نیشابوری در صحیحش نقل می کند که :

قال عطاء قدم جابر بن عبد الله معتمرا فجنّاه في منزله فسأله القوم عن أشياء ثم ذكروا المتعة فقال نعم استمتعنا علي عهد رسول الله صلي الله عليه وسلم وأبي بكر وعمر .

صحیح مسلم، ج 4، ص 131.

عطاء گوید : جابر بن عبد الله انصاری برای عمره به مکه آمد . به منزل او رفتیم ، مردمان از او مسأله می پرسیدند تا صحبت رسید به متعه . جابر بن عبد الله گفت : بلی ما در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هم در زمان ابوبکر و عمر متعه می کردیم .

و باز در جایی دیگر نقل می کند :

عن أبي نضرة قال كنت عند جابر بن عبد الله فاتاه آت فقال إن ابن عباس وابن الزبير اختلفا في المتعتين فقال جابر فعلناهما مع رسول الله صلي الله عليه وسلم ثم نهانا عنهما عمر فلم نعد لهما .

صحیح مسلم، ج 4، ص 59.

من در نزد جابر بن عبد الله بودم ، گفتند عبد الله بن عباس و عبد الله بن زبیر در موضوع دو متعه [متعه نساء و متعه حج] اختلاف نظر دارند . جابر بن عبد الله گفت : ما در زمان رسول خدا هر دو را به جا می آوردیم ؛ پس عمر آن دو را نهی کرد و ما هم دیگر پس از آن بجا نیاوردیم .

اهل سنت می گویند که جناب عمر صلاح دید که متعه را حرام کند .

متعّتان کانتا علی عهد رسول الله ، صلی الله علیه و آله - أنا أنهی عنهما ، وأعاقب علیهما ، متعة النساء و متعة الحج .

دو متعه در زمان رسول خدا حلال بود که من آن را حرام می کنم و هر کس انجام دهد ، او را مجازات می کنم : یکی متعه حج و دیگری متعه زنان .

الإيضاح ، الفضل بن شاذان الأزدي ، ص 443 و مسند احمد ، الإمام احمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 52 و ج 3 ، ص 325 و السنن الكبرى ، البيهقي ، ج 7 ، ص 206 و معرفة السنن والآثار ، البيهقي ، ج 5 ، ص 345 و الاستذكار ، ابن عبد البر ، ج 4 ، ص 95 و أحكام القرآن ، الجصاص ، ج 1 ، ص 338 و أحكام القرآن ، الجصاص ، ج 2 ، ص 191 و تفسير الرازي ، الرازي ، ج 5 ، ص 167 و تذكرة الحفاظ ، الذهبي ، ج 1 ، ص 366 و ميزان الاعتدال ، الذهبي ، ج 3 ، ص 552 و

جالب این است که آقای سرخسی حنفی و ابن قدامه حنبلی از شخصیت های برجسته اهل سنت وقتی به این می رسند می گویند :

وقد صح أن عمر رضي الله عنه نهى الناس عن المتعة .

این که عمر از متعه نهی کرده است ، صحت دارد .

متعّه این قدر در قرآن به صراحت آمده است و آن ها زیر بار نرفتند . اگر نام امام علی علیه السلام هم در قرآن آمده بود ، می گفتند :

ان الله تبارك و تعالی قد عين علياً للإمامة ولكن عمر عزله .

پس حتی اگر اسم ائمه در قرآن هم می آمد ، هیچ ضمانتی وجود نداشت که اهل سنت آن را بپذیرند .

سؤال 3 :

3- نذوراتي توسط مردم داده میشود که وقتی از آنها پرسیده میشود میگویند مثلاً "این نذر یا قربانی برای امام حسین است" آیا با توجه به آیات قران که "خوردن آنچه به نام غیر خدا ذبح میشود حرام است" خوردن آن ذبح ویا هرآنچه که با آن طبخ می شود حرام نیست ؟ (با توضیح و تفسیر) .

پاسخ :

نذوراتي که شیعیان در ماه های محرم و صفر انجام می دهند ، همگی قریه الي الله و برای خداوند است ؛ ولی صاحب نذر ثواب را به امام حسین علیه السلام هدیه می کند . شاهد بر این مطلب این است که در هنگام ذبح هیچ کسی به جای نام خداوند ، نام امام حسین را نمی برد ؛ بنابراین ، چنین نذری از مصادیق ذبح برای غیر خدا نیست و در نتیجه خوردن آن نیز اشکالی ندارد .

موفق باتتید

گروه پاسخ به تنبهاات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)